

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

بررسی تأثیر نهادهای انقلابی بر تثبیت نظام جمهوری اسلامی

(با تأکید بر نهادهای سیاسی و امنیتی)

نگارش:

خرم بقایی

استاد راهنما:

دکتر مصطفی ملکوتیان

استاد مشاور:

دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

شهریور ماه ۱۳۹۰



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: خرم بقایی شیره جینی

در رشته : علوم سیاسی : گرایش :

با عنوان : بررسی تأثیر نهاد های انقلابی در تثبیت نظام جمهوری اسلامی

را در تاریخ ۹۰/۰۶/۲۹

به عدد	به حروف
۱۹۱۵	هزار و نود و پنجم

با نمره های :

ارزیابی نمود . -

ع

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر مصطفی مشکوتیان	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر سید الرحیم ابوالحسنی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردند .



با سپاس از اساتید محترم گروه علوم سیاسی به ویژه دکتر

مصطفی ملکوتیان و محمد جعفر جوادی ارجمند

تقدیم به پدر و مادر؛

به پاس زحماتشان

چکیده

کانون توجه علم سیاست بنا به تعریف، نظم و ثبات سیاسی از یک سو و فقدان آن از سوی دیگر است. لذا، اندیشه-گران سیاسی از دیر باز به مسایلی چون ناآرامی‌های اجتماعی، بی‌نظمی‌های سیاسی و انقلاب‌ها توجه کرده‌اند. اصولاً انقلاب‌ها (در شکل تمام‌عیار آن) سبب‌ساز تحولاتی ژرف در عرصه داخلی و خارجی گشته و گام در راه بنیان نهادن نظمی نوین می‌گذارند. سقوط رژیم پیشین و تسخیر قدرت به وسیله انقلابیون به ندرت نشانه خاتمه انقلاب است، بلکه نشانه مرحله جدیدی در انقلاب به شمار می‌آید، یعنی مبارزه برای تعیین پیامدهای انقلاب. معمولاً پس از وقوع هر انقلاب، شادمانی ناشی از پیروزی بر دشمن مشترک جای خود را به رقابت، چالش، درگیری و حتی نزاع خونین می‌دهد. در این بین معضلات مربوط به رژیم پیشین و نیز مسایل به وجود آمده در دوران پس از انقلاب سبب پیدایش چالش‌ها و بحران‌هایی برای نظام جدید می‌شود که بر اساس نظریه‌های کارکردگرای ساختاری از انقلاب‌ها، این امر موجب شکل‌گیری عدم تعادل در نظام اجتماعی می‌شود.

اینکه نظام سیاسی پسا انقلابی در ایران بعد از انقلاب چگونه این بحران‌ها را پشت سر گذاشت و توانست به ثبات دست یابد پرسشی بنیادینی بود که در این نوشتار تلاش گردید بدان پاسخی مناسب داده شود. فرضیه‌ای که در پاسخ بدین پرسش طراحی شد به نقش نهادهای انقلابی مربوط می‌شد. بنا بر فرضیه این نوشتار، نهادهای انقلابی (در این‌جا نهادهای سیاسی و امنیتی) از طریق ایفای کارویژه‌های متعدد به ویژه کارویژه‌های سیاسی و امنیتی به تثبیت نظام جمهوری اسلامی یاری رساندند. و در همین راستا، اهدافی دنبال می‌شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: بررسی مؤلفه‌های انسجام‌بخش به انقلاب‌ها و نقش آن‌ها در دوران گذار پسا انقلابی، ارائه تبیین جامعه‌شناختی پیرامون دوران پس از انقلاب به ویژه در زمینه نحوه تثبیت نظام پسا انقلابی، بررسی نهادهای انقلابی به عنوان یکی از مؤلفه‌های انسجام‌بخش به انقلاب‌ها و بررسی زمینه‌های شکل‌گیری و کارکردهای نهادهای انقلابی در دوران گذار پسا انقلابی. در انقلاب سال ۱۳۵۷، نهادهای انقلابی با انجام خدمات فراوانی، مشکلات عدیده‌ای را حل نمودند و از هرج و مرج و اغتشاش که لازمه هر انقلاب است جلوگیری به عمل آوردند و از این طریق، نوعی تعادل و انسجام به وجود آوردند که این وضعیت به تثبیت نظام سیاسی پسا انقلابی یاری رساند.

فهرست مطالب

فصل نخست: کلیات	۱
۱-۱- بیان مسئله	۱
۲-۱- سوالات و فرضیات	۷
۱-۲-۱- مفروض	۷
۱-۲-۲- سوال اصلی	۷
۱-۲-۳- سوالات فرعی	۷
۱-۲-۴- فرضیه اصلی	۷
۱-۲-۵- متغیرها	۷
۱-۲-۵-۱- متغیر مقدماتی	۷
۱-۲-۵-۲- متغیر مستقل	۸
۱-۲-۵-۳- متغیر وابسته	۸
۱-۳- چارچوب نظری	۸
۱-۴- تعریف مفاهیم	۸
۱-۴-۱- انقلاب اسلامی	۸
۱-۴-۲- نظام اجتماعی نامتعادل	۹
۱-۴-۳- دوران گذار	۱۰
۱-۴-۴- نهاد	۱۱
۱-۴-۵- نهادهای انقلابی	۱۱

۱۲.....	۵-۱- اهمیت پژوهش
۱۳.....	۶-۱- اهداف پژوهش
۱۳.....	۷-۱- پیشینه تحقیق
۱۶.....	۸-۱- سازمان‌دهی پژوهش
۱۸.....	فصل دوم: چارچوب نظری
۱۸.....	۱-۲- کارکردگرایی ساختاری
۲۰.....	۲-۱-۱- مفهوم کارکرد و تبیین کارکردی
۲۱.....	۲-۱-۲- زمینه‌های فکری و جامعه‌شناختی کارکردگرایی ساختاری
۲۴.....	۲-۱-۳- پیش‌فرض‌ها و اصول روش‌شناختی کارکردگرایی
۲۹.....	۲-۱-۴- نظریه تالکوت پارسونز
۳۹.....	جمع‌بندی
۴۱.....	فصل سوم: عوامل انسجام‌بخش به انقلاب‌ها
۴۲.....	۳-۱-۱- ایدئولوژی
۴۲.....	۳-۱-۱-۱- مفهوم ایدئولوژی
۴۵.....	۳-۱-۲- کارکردهای ایدئولوژی
۴۷.....	۳-۱-۳- ایدئولوژی و انقلاب
۵۰.....	۳-۲- رهبری
۵۵.....	۳-۳- سازمان (نهادهای انقلابی)
۵۸.....	۳-۳-۱- اهمیت عامل سازمان در فراگرد انقلاب

۳-۳-۲- سازمان انقلابی و دوران پسا انقلابی (سازمان انقلابی و تحکیم پایه‌های قدرت رژیم

نوظهور)..... ۶۱

جمع‌بندی ۶۳

فصل چهارم: زمینه‌های پیدایش نهادهای انقلابی (نظام اجتماعی نامتعادل)..... ۶۵

۴-۱- ویژگی‌های عمومی نظام پهلوی دوم ۶۸

۴-۱-۱- خرده نظام سیاسی ۶۸

۴-۱-۱-۱- تمرکز و شخصی شدن دولت ۶۹

۴-۱-۱-۲- سطح پایان نهادمندی سیاسی و مدنی ۷۰

۴-۱-۱-۳- اختناق و سرکوب سیاسی ۷۱

۴-۱-۱-۴- عدم مشروعیت رژیم پهلوی دوم ۷۱

۴-۱-۲- خرده نظام اقتصادی ۷۲

۴-۱-۳- خرده نظام فرهنگی ۷۶

۴-۱-۴- خرده نظام هنجاری- حقوقی ۷۷

۴-۲- اختلال در کارکردهای نظام در آستانه انقلاب اسلامی ۷۸

۴-۲-۱- اختلال در ایفای کارکردهای سیاسی ۷۸

۴-۲-۲- اختلال در ایفای کارکردهای اقتصادی ۸۲

۴-۲-۳- اختلال در ایفای کارکردهای فرهنگی ۸۳

۴-۳- وقوع انقلاب و اختلال در کارکردهای نظام پسا انقلابی ۸۴

۴-۳-۱- اختلال در کارکردهای سیاسی ۸۵

۸۶.....	۴-۳-۲- اختلال در کارکردهای امنیتی
۸۷.....	۴-۳-۳- اختلال در کارکردهای اقتصادی
۸۹.....	جمع‌بندی
۹۰.....	فصل پنجم: نهادهای سیاسی و تثبیت نظام پسا انقلابی
۹۱.....	۵-۱- نهادهای سیاسی
۹۱.....	۵-۱-۱- شورای انقلاب
۹۱.....	۵-۱-۱- تأسیس
۹۲.....	۵-۱-۲- اهداف تأسیس
۹۳.....	۵-۱-۳- اعضای شورای انقلاب (از تأسیس تا انحلال)
۹۵.....	۵-۱-۴- کارکرد شورای انقلاب
۱۰۴.....	۵-۱-۵- اتمام کار شورای انقلاب
۱۰۶.....	۵-۲- حزب جمهوری اسلامی
۱۰۶.....	۵-۲-۱- علل پیدایی و کارکردهای احزاب
۱۰۸.....	۵-۲-۲- تأسیس
۱۰۹.....	۵-۲-۳- اهداف تأسیس
۱۱۲.....	۵-۲-۴- ترکیب حزب و خاستگاه اجتماعی اعضا
۱۱۳.....	۵-۲-۵- قدرت‌یابی
۱۱۴.....	۵-۲-۶- کارکرد حزب جمهوری اسلامی
۱۱۶.....	۵-۲-۶- علل انحلال

۱۱۸	جمع‌بندی
۱۲۱	فصل ششم: نهادهای امنیتی و تثبیت نظام پسا انقلابی
۱۲۱	۱-۶- مفهوم امنیت
۱۲۲	۲-۶- نقش نهادها در تأمین امنیت
۱۲۳	۱-۲-۶- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۲۳	۱-۱-۲-۶- تأسیس
۱۲۷	۲-۱-۲-۶- اهداف تأسیس
۱۲۸	۳-۱-۲-۶- کارکرد سپاه پاسداران
۱۳۲	۲-۲-۶- کمیته‌های انقلاب اسلامی
۱۳۲	۱-۲-۲-۶- تأسیس
۱۳۳	۲-۲-۲-۶- حوزه‌های فعالیت در تهران
۱۳۳	۳-۲-۲-۶- تشکیلات و ترکیب اعضا
۱۳۵	۴-۲-۲-۶- کارکرد کمیته‌های انقلاب
۱۳۹	۳-۲-۶- اتمام کار کمیته‌های انقلاب
۱۴۰	جمع‌بندی
۱۴۱	نتیجه‌گیری
۱۴۵	منابع
۱۵۲	پیوستار

فصل نخست: کلیات

۱-۱- بیان مسئله

کانون توجه علم سیاست بنا به تعریف، نظم و ثبات سیاسی از یک سو و فقدان آن از سوی دیگر است. لذا، اندیشه‌گران سیاسی از دیر باز به مسایلی چون ناآرامی‌های اجتماعی، بی‌نظمی‌های سیاسی و انقلاب-ها، به خصوص نظریه‌پردازی تفصیلی درباره علل رخداد آن‌ها و نیز پرداختن به روند و پیامدهایشان به صورتی موجز و پراکنده توجه کرده‌اند.^۱ انقلاب‌ها رژیم‌های سلطنتی و امپراتوری‌ها را سرنگون ساخته‌اند و ارمغان آن‌ها تولد دموکراسی‌ها، نظام‌های کمونیستی و رژیم‌های پسا استعماری، اسلامی و تک حزبی بوده است. انقلاب‌ها گریزناپذیر و اغلب الهام‌بخش هستند و تلاش‌هایی‌اند با هدف اصلاح جهان و بهتر ساختن آن. در همین راستا هانا آرنست می‌گوید که «آدمی امیدوار است که انقلاب همه انسان‌ها را رهایی بخشد و مردمان به سرعت یکی پس از دیگری به سوی کشانده می‌شوند.... دیگر هیچ اصلی باقی نیست مگر آن که از همه کهن‌تر است و از آغاز تاریخ ما، در واقع وجود سیاست بدان وابسته بوده است؛ یعنی اصل آزادی در برابر جبر و ستم».^۲

^۱ - حمیدرضا اخوان مفرد، «رهیافت‌های مختلف در تحلیل انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه متین، شماره ۱۳ و ۱۲، (بهار و تابستان ۱۳۷۸)، ص

۲۳۶.

^۲ - هانا آرنست، انقلاب، ترجمه: فولادوند، عزت‌الله (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۱)، ص ۹.

اصولاً انقلاب‌ها (در شکل تمام‌عیار آن) سبب‌ساز تحولاتی ژرف در عرصه داخلی و خارجی گشته و گام در راه بنیان نهادن نظامی نوین می‌گذارند. این مطلب به خوبی توسط استفن والت بیان گردیده است:

«... انقلاب چیزی بیش از جایگزینی مجموعه‌ای از حاکمان به جای دیگران است. انقلاب کامل دربردارنده ایجاد یک نظم جدید است. بنا بر تعریف، انقلاب بر اصول جدیدی از مشروعیت استوار است، سمبل‌های اقتدار و هویت جدیدی را به نمایش می‌گذارد (اسامی، پرچم‌ها، سرودها و ...)، قواعد جدیدی را برای به کارگیری نخبگان وضع می‌کند، و نهادهای سیاسی و رویه‌های حکومتی نوینی را به وجود می‌آورد. به طور خلاصه، انقلاب‌ها با ایجاد یک «دولت جدید» که بر اصول و رویه‌های بسیار متفاوت از اصول و رویه‌های رژیم پیشین تکیه دارند، جامعه سیاسی را در درون یک سرزمین مفروض بازتعریف می‌کنند.»^۱

نکته‌ای که در اینجا می‌بایست بدان توجه داشت این است که پیامدهای انقلاب‌ها در مقایسه با علل آن‌ها کمتر مورد بررسی علمی گرفته است. این مسئله ممکن است بدین دلیل باشد که وجود پیامدهای انقلاب‌ها و ابعاد دگرگون‌ساز آن‌ها امری بدیهی تلقی می‌گردد. سقوط رژیم پیشین و تسخیر قدرت به وسیله انقلابیون به ندرت نشانه خاتمه انقلاب است، بلکه نشانه مرحله جدیدی در انقلاب به شمار می‌آید، یعنی مبارزه برای تعیین پیامدهای انقلاب.^۲ به طور خلاصه، در جوامع جهان سوم به دنبال سرنگونی رژیم‌های پیشین مبارزه بر سر تعیین این پیامدها معمولاً در بستری رخ می‌دهد که دارای این ویژگی‌هاست: ۱- شکاف و فروپاشی ائتلاف انقلابی اولیه، ۲- ظرفیت‌های محدود دولت، ۳- توسعه‌نیافتگی اقتصادی، ۴- تجاوز خارجی و ۵- تداوم وابستگی به اقتصاد جهانی یا نخبگان داخلی.^۳

در نوشتار تلاش خواهد گردید تا دست کم به برخی از پرسش‌ها در زمینه انقلاب ایران و دوران پس از آن پاسخ‌هایی (هرچند ناکافی) ارائه گردد.

^۱ - استفن والت، انقلاب و جنگ، در: جک گلدستون، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز (تهران: نشر کویر، ۱۳۸۵)، صص ۲۰۸-۲۰۷.

^۲ - جک گلدستون، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز (تهران: نشر کویر، ۱۳۸۵)، ص ۳۲.

^۳ - جان فوران و جف گودوین، در: جک گلدستون، *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز (تهران: نشر کویر، ۱۳۸۵)، ص ۱۶۴.

نخستین پرسشی که در اینجا به ذهن خطور می‌کند این است که چه عوامل و زمینه‌هایی منجر به عدم تعادل نظام اجتماعی در دوران پس از وقوع انقلاب می‌شوند؟ پاسخ بدین پرسش نیازمند توجه به دو دسته از عوامل است.

معمولاً پس از وقوع هر انقلاب، شادمانی ناشی از پیروزی بر دشمن مشترک جای خود را به رقابت، چالش، درگیری و حتی نزاع خونین می‌دهد. در این بین معضلات مربوط به رژیم پیشین و نیز مسایل به وجود آمده در دوران پس از انقلاب سبب پیدایش چالش‌ها و بحران‌هایی برای نظام جدید می‌شود که بر اساس نظریه‌های کارکردگرای ساختاری از انقلاب‌ها، نظام اجتماعی در وضعیت نامتعادل اجتماعی به سر می‌برد. البته این دسته از نظریه‌پردازان، این مفهوم را بیشتر برای دوران پیش از انقلاب مورد استفاده قرار می‌دهند اما به نظر می‌رسد بتوان از این مفهوم برای دوران پس از موفقیت انقلاب نیز بهره جست.

هر نظام سیاسی به منظور حفظ تعادل و استمرار خویش می‌بایست به انجام کارکردهای خود مبادرت ورزد و بر اساس این کارکردهای اساسی «نهادهای» به وجود می‌آیند. نهادها کارکردهای اصلی خرده نظام‌های سیاسی، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی را انجام می‌دهند و موجب ایجاد تعادل در نظام می‌شوند. اما هنگامی که نهادها کارکردهای خود را به درستی انجام ندهند نظام دچار عدم تعادل می‌شود. پس می‌توان برخی از ریشه‌های عدم تعادل در نظام پسا انقلابی را در گذشته و نظام پیشین جست. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ را نیز می‌توان این گونه تبیین نمود که عدم انجام صحیح کارکردها توسط نهادهای مختلف در درون خرده نظام‌های مختلف موجب عدم تعادل و بی‌ثباتی نظام پهلوی شده است و استمرار این وضعیت منتهی به انقلاب اسلامی شده است. از سوی دیگر، هنگامی که در یک جامعه نامتعادل یک رفتار سیاسی جمعی مثل انقلاب به وقوع می‌پیوندد، نظام سیاسی پسا انقلابی در انجام کارکردهای اصلی و فرعی خود دچار اختلال گشته و به وضعیت بی‌ثبات و نامتعادل آن دامن می‌زند. چرا که نظام جدید، علاوه بر رفع معضلات مربوط به نظام پیشین، می‌بایست به تدبیر و رفع مشکلات و چالش‌های جدید و پیش رو نیز اقدام ورزد. در نتیجه، مجموع این عوامل سبب بی‌ثباتی و عدم تعادل نظام دست کم در کوتاه مدت می‌گردد که این نظام می‌بایست به منظور حفظ و تثبیت خویش به حل و فصل آن‌ها مبادرت ورزد.

اما چه هنگام می‌توان گفت که نظامی تثبیت شده است؟ پاسخ‌ها به این پرسش متفاوت است و اجماع نظری در این زمینه وجود ندارد. در این رابطه استینچکومب^۱ استدلال معقولی را مطرح می‌کند که بر اساس آن انقلاب زمانی به ثبات می‌رسد که در مورد تثبیت و بقای نهادهایی که توسط رژیم جدید استقرار یافته، جای تردیدی نباشد. اما این تعریف بدین دلیل که می‌تواند تفاسیر متفاوتی به خود بگیرد، هنوز هم دارای ابهام می‌باشد. بر اساس تفسیر نخست، انقلاب زمانی به ثبات می‌رسد که نهادهای اساسی رژیم جدید دیگر از جانب نیروهای انقلابی و ضدانقلابی به طور جدی به چالش کشیده نمی‌شوند... اما بر اساس تفسیر مقبول‌تر، انقلاب تنها زمانی تثبیت می‌شود که نهادهای سیاسی و اقتصادی اصلی به شکلی استقرار یافته باشد که در مدت نسبتاً طولانی (گفته می‌شود بیست سال) کاملاً دست نخورده و ثابت باقی بمانند. این امر نتایج بسیار متفاوتی را در پی دارد.^۲ در این نوشته، مقصود ما از تثبیت در رابطه با انقلاب اسلامی همان تعریف استینچکومب می‌باشد.

پرسش بعدی این است که استقرار نظم نوین و تثبیت نظام جدید چگونه و با استفاده از چه ابزارهایی حاصل می‌شود؟ استقرار این نظم در سایه فراهم آمدن ابزارها و مؤلفه‌هایی است که با توجه به نحوه شکل‌گیری انقلاب، نیروهای شرکت‌کننده در آن، فرایند انقلابی و نوع نظام پیشا انقلابی تا حدی در هر انقلاب شکلی خاص می‌یابد. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در تعیین پیامدهای انقلاب‌ها و نیز استقرار نظم نوین از اهمیت فراوانی برخوردارند می‌توان به نقش عوامل رهبری، ایدئولوژی، شبکه‌ها و سازمان (نهادهای انقلابی) اشاره کرد. نظام‌های پسا انقلابی به بهره‌گیری مطلوب از این مؤلفه‌ها می‌توانند بقای خویش را تضمین کرده و در ادامه به وضعیتی با ثبات دست یابند. این امر در انقلاب سال ۱۳۵۷ نیز قابل مشاهده است.

انقلاب اسلامی ایران تحولی عظیم و بنیادین بود که بسیاری از ساختارهای پیشین را درهم شکست و تحولات اجتماعی اساسی را به همراه داشت. انقلاب سال ۱۳۵۷ به دلیل همراه داشتن مؤلفه‌های چندگانه و متفاوت بسیاری از نظریه‌هایی را که قطعی و خدشه‌ناپذیر تلقی می‌شدند با چالش مواجه ساخت. چنان که تدا اسکاچپول نظریه پرداز برجسته انقلاب در مقاله‌ای با عنوان «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب

^۱ - Stinchcombe

^۲ - Jack A. Goldstone, (2001). "Toward a Fourth Generation of Revolutionary Theory," *Annual Review of Political Science*, p. 167.

ایران» که پس از وقوع انقلاب ایران به نگارش درآورد بیان داشت که «مراحل اولیه انقلاب ایران آشکارا عقاید مرا درباره دلایل انقلاب‌های اجتماعی به چالش کشید.^۱ بدین ترتیب وی ناچار می‌شود انقلاب ایران را مورد منحصر به فرد تلقی کند.^۲ انقلاب مذکور از انقلاب‌های بزرگ قرن بیستم بود که علاوه بر تحول بنیادین و فراگیر در ایران، بازتاب‌های فراوانی در خارج نیز داشت. این انقلاب مبدأ تحولات عظیم و الهام‌بخش شماری از حرکت‌های ضد استعماری گردید. در این زمینه جان ال. اسپوزیتو چنین بیان می‌کند که «در فوریه ۱۹۷۹ (بهمن ۱۳۵۷)، جهان از وقوع نخستین انقلاب مدرن به رهبری مذهب در ایران آگاه شد؛ انقلابی که حکومتی اسلامی را جایگزین سلسله پادشاهی هوادار غرب کرد و تأثیراتی در داخل و بازتاب‌هایی در خارج از ایران داشت.»^۳ با وقوع انقلاب نظام جدیدی در حال شکل‌گیری بود و علی‌رغم تمایلات دولت موقت به فروکش کردن تحولات انقلابی و آرام گرفتن انقلاب در نظام مطلوب این دولت، در حاشیه قدرت رسمی، عزمی جزم برای تداوم انقلاب خود را به رخ می‌کشید. این عزم که در مرحله «تخریب نظام پیشین قدرت» خود را نشان داده بود، برای مرحله «تأسیس نظام جدید» و تثبیت آن نیز منشاء اقدام گردید.^۴

انقلاب اسلامی که با حضور افشار و گروه‌های گوناگون توانست به موفقیت رسیده بود در ابتدا با چالش‌ها و بحران‌هایی همراه بود. «سال‌های آغازین شکل‌گیری نظام جدید پس از انقلاب اسلامی مقطعی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استقرار و تثبیت پایه‌های نظامی نوپا را رقم زد و بالطبع، درگیر بسیاری از تنش‌ها و بحران‌های ایجاد شده از سوی مخالفان داخلی و قدرت‌های خارجی بود.»^۵ با توجه به این امر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی لزوم برقراری ثبات احساس می‌شد. در این راه، نهادهای انقلابی نقش به‌سزایی را ایفا نمودند.

بدیهی است وقوع انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن (که در این نوشتار مدنظر ماست) در قالب یک نظریه خاص قابل تبیین نمی‌باشد اما به فراخور بحث اگر با رویکردی کارکردگرایانه به شکل‌گیری

^۱ - تدا اسکاچپول، «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، بهار ۱۳۸۲، شماره ۱۹، ص ۱۲۱.

^۲ - جان فوران، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی در ایران*، ترجمه احمد تدین (تهران: انتشارات رسا، ۱۳۵۸)، ص .

^۳ - جان ال. اسپوزیتو، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی (تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۸)، ص ۳۳.

^۴ - هادی نخعی و حسین یکتا، *روزشمار جنگ ایران و عراق* (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جلد اول، ۱۳۷۵)، ص ۳۵.

^۵ - عبدالله جاسبی، *روزشمار حزب جمهوری اسلامی* (تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، جلد ۱، ۱۳۸۸)، ص ۹.

انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام شاهنشاهی نیک بنگریم علل این پدیده را می‌توان در بدکارکردی‌های سیستم در انجام کارکردهای چهارگانه جستجو نمود. پس نظام جمهوری اسلامی در راه استقرار و تثبیت خویش با مشکلات و بحران‌های فراوانی دست به گریبان بود. این نظام وارث مشکلات و بحران‌هایی بود که مربوط به پیش از انقلاب اسلامی می‌شد. از سوی دیگر، با حادث شدن هر انقلابی ما شاهد بروز تقاضاها، انتظارات، و مشکلات جدیدی در شرایط نوظهور انقلابی می‌باشیم. با این تفصیل، انتظارات و خواسته‌های مردم از لحاظ کمی و کیفی نسبت به سال آخر حکومت شاه چندین برابر شده بود. افزون بر این، در دهه اول انقلاب با انبوهی از نیروها و جریان‌هایی مواجه هستیم که در عرصه فعالیت‌های سیاسی ظاهر شده و بعضاً در مورد انقلاب ادعاهایی را نیز مطرح می‌کردند. این تنوعات و تفاوت‌ها گاهاً منجر به بروز اختلافات و درگیری‌هایی می‌شد. در محیط خارجی نیز ما شاهد مشکلات و موانع بسیار بزرگی از جمله جنگ هشت ساله با عراق و عنادورزی‌های دشمنان خارجی و در رأس آنان کشور ایالات متحده هستیم. اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی بنا بر ماهیت خویش با منافع و اهداف کشورهای دیگر و به ویژه آمریکا در تضاد قرار داشت؛ ایران با انقلاب اسلامی تفکر و نگرش جدیدی را بر خلاف نگرش‌های حاکم در نظام دو قطبی جهان روز ارایه کرد و به نوعی در دوران جنگ سرد، اندیشه‌های مسلط آن دوران را به چالش طلبید. لذا پس از وقوع انقلاب اسلامی این کشورها را در عرصه بین‌المللی تحمل نکرده، با تمام وسایل و امکاناتی که در اختیار داشتند، به مقابله و تلاش برای مهار آن برخاستند. با انقلاب اسلامی سیاست موازنه منفی و سیاست نه شرقی و نه غربی در دستور کار دیپلماسی ایران قرار گرفت و بر این اساس روابط خود را با کشورهای جهان سامان داد. همچنین به طور خاص آمریکا پس از پیروزی انقلاب ضربات زیادی به منافع و سیاست‌های این کشور به ویژه در منطقه خاورمیانه وارد آمد. ریزش یکی از پایه‌های سیاست دو ستونی آمریکا در خلیج فارس و تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه از انقلاب ایران به نگرانی واشنگتن دامن زد. این نگرانی با گروگان‌گیری و تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام دو چندان شد و موجب شد تا این کشور به اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون برای مواجهه با ایران روی آورد.

با اوصافی که گذشت بر اساس اصول نظریه کارکردگرایی، این حجم از توقعات و انتظارات و موانع که به این سرعت متوجه هر نظام سیاسی شود به عدم تعادل نظام سیاسی می‌انجامد و می‌تواند بحران‌زا و فلج‌کننده باشد و بنا به دلایل مختلفی نظام را در راه تثبیت با مشکلات و بحران‌هایی مواجه سازد. ذکر

این نکته نیز ضروریست که نهادهای پیشین بنا به دلایل متعدد قادر به پاسخ‌گویی نبودند. مجموع این عوامل و شرایط سبب شد تا نظام دچار عدم تعادل سیاسی گردد و در نتیجه، تأسیس و شکل‌گیری نهادهای جدید که توانایی انجام کارکردهای گوناگون را داشته باشند را ضروری گردید. به باور نگارنده بر اساس رویکرد کارکردگرایی نهادهای انقلابی به منظور انجام کارکردهای چهارگانه نظام و تثبیت پایه‌های آن به وجود آمدند.

۱-۲- سوالات و فرضیات

۱-۲-۱- مفروض

نهادهای انقلابی در تثبیت رژیم‌های پسا انقلابی نقش مهمی ایفا نمودند.

۱-۲-۲- سوال اصلی

نهادهای انقلابی به ویژه نهادهای سیاسی و امنیتی چگونه به تثبیت نظام جمهوری اسلامی پرداخته‌اند؟

۱-۲-۳- سوالات فرعی

- ۱- عوامل انسجام‌بخش به انقلاب‌ها شامل چه مواردی می‌شود؟
- ۲- علل و زمینه پیدایش نهادهای انقلابی (عدم تعادل نظام) پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه بود؟

۱-۲-۴- فرضیه اصلی

نهادهای انقلابی از طریق ایفای کارویژه‌های متعدد به ویژه کارویژه‌های سیاسی و امنیتی به تثبیت نظام جمهوری اسلامی یاری رساندند.

۱-۲-۵- متغیرها

۱-۲-۵-۱- متغیر مقدماتی

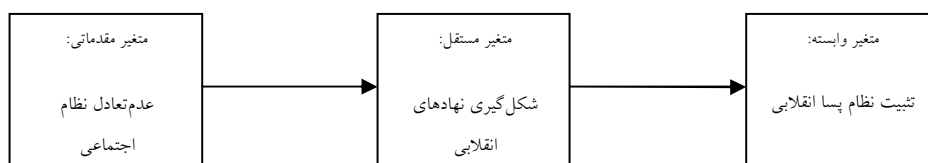
عدم تعادل نظام پسا انقلابی

۱-۲-۵-۲- متغیر مستقل

شکل‌گیری نهادهای انقلابی

۱-۲-۵-۳- متغیر وابسته

تثبیت نظام پسا انقلابی



شکل شماره (۱)

۱-۳- چارچوب نظری

همان گونه که در قسمت بیان مسئله شرح آن به صورت موجز بیان گردید چارچوب نظری که در این پژوهش در صدد بهره‌گیری از آن می‌باشیم کارکردگرای ساختاری است. در فصل آینده به طور مبسوط به این نظریه خواهیم پرداخت.

۱-۴- تعریف مفاهیم

۱-۴-۱- انقلاب اسلامی

انقلاب سال ۱۳۵۷ (مشهور به انقلاب اسلامی) که با مشارکت اقشار و گروه‌های مختلف ایران انجام پذیرفت، نظام پادشاهی ایران را سرنگون، و زمینه روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، به رهبری امام خمینی در ایران را فراهم کرد. نیکی کدی نیز به مانند بسیاری از پژوهش‌گران رخداد این حادثه را غیرمنتظره دانسته و می‌نویسد:

«این انقلاب با الگوها و انتظارات مطلعین از اوضاع ایران سازگار نبود، زیرا تا کنون دیده نشده بود یک رهبر مذهبی، سردمدار پرشور و پرآوازه یک انقلاب علیه نظام سلطنتی شود که حاکم مدعی حقانیت خود و صحت برنامه‌های اصلاحی‌اش و پیوندش با گذشته ملی سرزمینش بود. به راستی چگونه رژیم می‌تواند به میلیاردها دلار تسلیحات نظامی و نیروهای مسلح، پلیس مخفی و آشکار که قاعدتاً همه آنها نیز آماده استفاده بودند در مواجهه شورش‌های متناوب و تظاهرات وسیع و همگانی و اعتصابات عمومی از پای درآمد؟»^۱

با مروری بر ادبیات وسیعی که پس از انقلاب اسلامی پدید آمد می‌توان گفت مشارکت توده مردم در روند بسیج منجر به انقلاب ایران مورد اتفاق نظر عمومی محققین بوده است. تا آخر سال ۱۹۷۸ (پاییز ۱۳۵۷) کلیه بخش‌های جامعه شهری ایران در جهت مخالفت سازش‌ناپذیر علیه رژیم پهلوی که گردهم آمدند و با مجموعه‌ای فوق‌العاده از تظاهرات توده‌ای شهری و اعتصابات عمومی که مدام در حال گسترش بودند، به رغم سرکوب نظامی، با یک بسیج توده‌ای به نهضتی فراگیر علیه رژیم شاه جامه عمل پوشاندند.^۲

۱-۴-۲- نظام اجتماعی نامتعادل

بی‌شک یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در نظریه کارکردگرایی ساختاری پیرامون انقلاب‌ها با آن مواجهیم، مفهوم نظام اجتماعی نامتعادل است. این نظریه، از مطالعات افرادی همچون جانسون، اسملسر، جسوپ^۳، هارت، تیریکیان و هاگوپیان پدید آمد که به سنت جامعه‌شناسانه‌ای توجه داشتند که توسط پارسونز بنیان نهاده شد.^۴ وی از همان ابتدا به مسئله نظم اجتماعی پرداخت و تلاش کرد تا پاسخی برای این پرسش بیابد که «چگونه است که جامعه انسجام خود را حفظ می‌کند؟» وی در پاسخ به این پرسش... بر اهمیت هنجارها و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی پافشاری کرد.

^۱- نیکی کدی، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه: عبدالرحیم گواهی (تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۹)، ص ۱۵.

^۲- اسکاچپول، *پیشین*، ص ۱۲۳.

^۳- Jessop

^۴- بنگرید به:

- Talcott Parsons, *The Social System*, New York, 1951.